

# آمال سیاسی - اجتماعی خواجه رشیدالدین در تاریخ مبارک غازانی

● رحیم شبانه

مذهب یهود به دین اسلام مشرف شد. خواجه نقش اصلی خود را در دوره غازان خان ایفا کرد و بانی اصلاحات ایلخان شد. در اصل می‌توان کتاب تاریخ مبارک غازانی را راهنمای خواجه رشید برای غازان خان در راستای انجام این اصلاحات دانست.

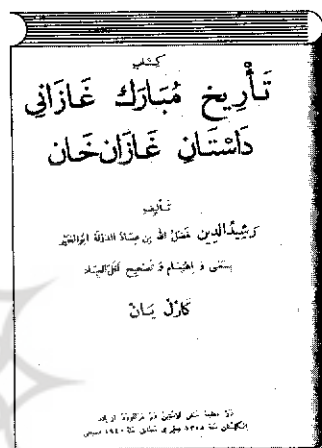
بیشتر منابع بر این نظر هستند که خواجه رشید روابط بسیار نزدیکی با غازان خان داشت و مورد اعتماد او بود. چنان‌که گفته‌اند او طبیب، مشاور، وزیر، دوست، همراه و همسفر و حتی آشپز غازان بوده و غازان جز از دست او و پسرش غذا نمی‌خورده است. خواجه رشید محرم اسرار غازان خان بود.<sup>۱</sup> غازان خان که از مصاحبت با دانشمندانی چون خواجه رشید لذت می‌برد، به شدت تحت تأثیر افکار او قرار داشت.

خواجه رشید به عنوان یک دیوانسالار ایرانی حامی تمرکز قدرت در دست دولت مرکزی و مخالف سرسخت گروه‌های مرکز گریز بود. اوسعی کرد در قالب شخصیت غازان خان حاکم و پادشاه ایده آل خود را ترسیم کند، لذا کتاب تاریخ مبارک غازانی را نوشت.

تاریخ مبارک غازانی منبع اصلی ما در مطالعه تاریخ عصر ایلخانان و شامل مجموعه یرلیق‌های غازان یا فرامین وی در مورد اصلاحات مالی - که خواجه رشید خود مبتکر آن‌ها بود - است. ظاهراً این کتاب به فرمان غازان و با دریافت مبلغ یک میلیون دینار نوشته شده است. این کتاب هسته اصلی جامع التواریخ را تشکیل می‌دهد.<sup>۲</sup>

تاریخ مبارک غازانی در اصل به سه قسمت (قسم) تقسیم می‌شود؛ قسمت اول، ذکر اصل و نسب غازان خان تا زمان جلوس به سلطنت؛ قسمت دوم، نقل رویدادهای دوران غازان خان و قسمت سوم، بیشتر فرامین و احکام غازان و ذکر اقدامات و اصلاحات او که با این عنوان آمده است: «در سیرت‌های پسندیده و اخلاق گزیده و آثار عدل و احسان و خیرات مبررات و فنون آداب و جمائل عادات او و سخنهایی که ارباب تحقیق و از سر تدقیق به هر وقت فرموده و حکم‌هائی محکم و ...»<sup>۳</sup> این قسمت کتاب که تقریباً نیمی از کل کتاب را شامل می‌شود، موضوع اصلی بحث ما و مشتمل بر نظریات رشیدالدین در اداره امور جامعه است.

اولین جایی که نویسنده از خود یاد می‌کند، در صفحه ۱۸ است.



■ تاریخ مبارک غازانی داستان غازان خان

■ نویسنده: رشیدالدین فضل‌الله بن عمادالدوله ابوالخیر

■ به سعی و اهتمام و تصحیح: کارل یان

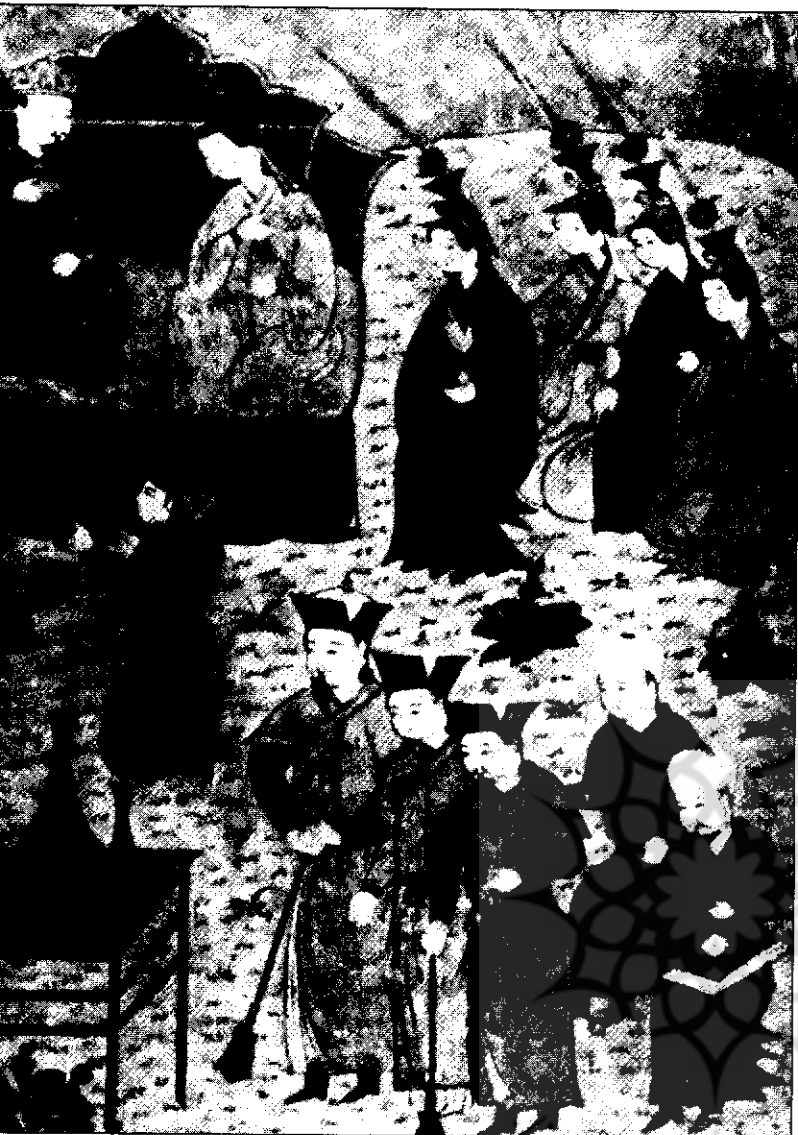
■ ناشر: هرتفورد انگلستان، مطبعه ستفن اوستین، ۱۹۴۰ م. / ۱۳۵۸ هـ. ق.

اشاره:

بدون شک پرکارترین مورخ عصر مغول خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی، سیاستمدار، طبیب و اصلاح‌گر بزرگ عصر ایلخانی است. تاریخ مبارک غازانی هسته اولیه و اصلی کتاب جامع التواریخ او است و با دیدگاهی متفاوت از بخش‌های دیگر آن نوشته شده است. هدف این مقاله تبیین و نقد نگرش خاص خواجه رشید در بخش سوم کتاب تاریخ مبارک غازانی می‌باشد.

\*\*\*

خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی که حمدالله مستوفی در تاریخ گزیده او را «خواجه رشید الحق والدین طبیب‌الله ثراة و خواجه سعید شهید، وزیر نیکونام» نامیده و معاصرانش لقب او را «رشید طبیب» ذکر کرده‌اند، در سال ۶۴۵ / ۱۲۴۷ در همدان به دنیا آمد. او که با سمت پزشک دربار به خدمت اباقاخان درآمد، پس از مدتی از



▲ دربار ایلخان غازان، قسمتی از یک مینیاتور ایرانی.

نیشابور به قتل و غارت مردم شهر پرداختند، غازان خان دستور داد افراد خاطی را تنبیه کنند.<sup>۸</sup>

او می نویسد: «هر کس که پادشاهان را خدمت نیکو و پسندیده کند هر آینه نتیجه و ثمره آن بیابد و در نظر همگان موقر و محترم باشد.»<sup>۹</sup> جالب این که رشیدالدین با وجود آن همه تعریف و تمجید از غازان و این که او را پادشاه اسلام خلد ملکه نام می برد، ولی نقل می کند که غازان خان خلد ملکه شراب هم می نوشیده است.<sup>۱۰</sup>

رشیدالدین بعد از اسلام آوردن غازان خان در همه جا از او با عنوان پادشاه اسلام نام می برد و تاکید زیادی روی این نکته دارد. خواجه چنان روی جنبه های دینی و اسلامی و ایمانی غازان تاکید می کند که حتی الهامات غیبی هم به او نسبت می دهد. چنان که درباره جنگ غازان با ممالیک مصر می نویسد: «و پادشاه اسلام از وادی ایمن آوازی شنید که لا تخف نجوت من القوم الظالمین و بدان بشارت قوتی هر چه تمام تر در نفس مبارک ظاهر گشت.»<sup>۱۱</sup> با وجود ذکر نکاتی که کمال اخلاص غازان را در گرایش به اسلام نشان می دهد، خواجه حکایتی نقل می کند که غازان در یکی

خواجه رشید به عنوان یک دیوانسالار ایرانی حامی تمرکز قدرت در دست دولت مرکزی و مخالف سرسخت گروه های مرکزگریز بود

«تاریخ مبارک غازانی» منبع اصلی ما در مطالعه تاریخ عصر ایلخانان و شامل مجموعه یرلیق های غازان یا فرامین وی در مورد اصلاحات مالی است که خواجه رشید خود مبتکر آن ها بوده است

او خود را «مؤلف این کتاب رشید طیب» می نامد. هم چنین در صفحه ۱۴۵ نیز خود را «رشید طیب» نامیده است. با این حال، در سراسر کتاب، به جز در این موارد، خواجه رشید هیچ اشاره ای به اقدامات خود و نقشی که در اصلاحات غازان داشته نمی کند و همه آن ها را ناشی از فکر صائب غازان خان می داند.

در حقیقت خواجه رشید در بخش سوم کتاب، مدینه فاضله مورد نظر خود را از حکومت، جامعه، و حاکم ایده آل ترسیم می کند. گاهی فرمانی از قول غازان نقل می کند و روابط اجتماعی بین نهادهای مختلف را ترسیم می نماید. گاهی نیز با ذکر خدمات عمرانی غازان خان، پادشاهان مغول را به عمران و آبادانی دعوت می کند. در حقیقت او از غازان خان پادشاهی آرمانی ساخته تا به عنوان الگویی مناسب از سوی ایلخانان دیگر مورد اقتباس قرار گیرد.

رشیدالدین در این کتاب از ذکر جنایات مغولان هیچ ابایی ندارد، چنان که نقل می کند از زمان ظهور آدم هیچ کس به اندازه مغولان کشتار و ویرانی بر جای نگذاشته و حتی ویرانی مغولان را با حمله اسکندر مقایسه و آن را مهیب تر می داند.<sup>۱۲</sup> او نقل می کند مغولان قبیله از غازان جز خرابی چیزی نداشتند و حتی ایلخانان قبلی اگر می خواستند کاخی یا شهری را آباد کنند، در جاهای دیگر ویرانی بیشتر ایجاد می کردند. او می نویسد: خواست خدا بود که خرابی ها همه به دست غازان خان آباد شود.

از قول صاحبان اندیشه خطاب به غازان می نویسد: «مهمتر از این اندیشه و مفیدتر از این فکر در عالم کسی نکرده و پدران تو خرابی کردند و تو آبادانی کنی.»<sup>۱۳</sup>

رشیدالدین سعی زیادی دارد که مضرات امور دوران ایلخانان قبل از غازان و سیاست های غلط گذشته، به خصوص سیاست هایی که توسط وزرای قبلی انجام شده، را با ذکر شواهد بسیار بیان کند تا اهمیت کارهای انجام شده در زمان غازان بیشتر نمایان شود.

رشیدالدین در تعریف و تمجید از غازان خان هیچ گونه کوتاهی ندارد. چنان که می نویسد: «چون یوسف خوب رو...»<sup>۱۴</sup> او در ذکر تاریخ زندگانی غازان خان نکات نکوهیده او را بیش از حد زیبا جلوه داده و سعی کرده یک چهره عادل و پادشاهی دادگراز او ترسیم کند. چنان که به نوشته او وقتی سپاهیان غازان خان در

در حقیقت خواجه رشید از غازان خان پادشاهی آرمانی ساخته، تا به عنوان الگویی مناسب از سوی دیگر ایلخانان به کار گرفته شود

خواجه رشید لشکریان مغول را در جنگ با مصریان ممالیک «لشکرهای ما» می نامد و این نشان می دهد که او غازان خان را پادشاه ایران می داند، نه یک خان مغول که تابع خان بزرگ مغولستان است

بالعکس، چون این کار را یکی از عوامل اصلی در فساد مالی می داند.<sup>۱۴</sup>

یکی از نکات جالب توجه در نوشته رشیدالدین، دیدگاه خاص ناسیونالیستی او نسبت به جریانات موجود است. او لشکریان مغول را در جنگ با مصریان ممالیک «لشکرهای ما» می نامد<sup>۱۵</sup> و این نشان می دهد که او غازان خان را پادشاه ایران می داند نه یک خان مغول که تابع خان بزرگ مغولستان است.

رشید الدین تلاش زیادی دارد که نشان دهد غازان خان فردی حکیم بوده و حکیمانه رفتار می کرده است. شاید این خود بازتاب این اندیشه او است که شاه باید از نظر فکر و اندیشه بر افراد دیگر برتری داشته باشد.

به نوشته او غازان خان علاوه بر زبان مغولی، با پارسی، عربی، هندی، کشمیری، تبتی، ختایی و فرنگی آشنا بوده و کما بیش از تاریخ و رسوم سلاطین مختلف آگاهی داشته است. هم چنین گوشزد می کند که غازان صنعت ها و حرفه های مختلف چون زرگری، آهنگری، نجاری، نقاشی ریخته گری، خراطی و غیره را هم می دانسته است. از آن چه او در بخش سوم کتاب آورده بر می آید که از نظر او پادشاه باید تمام علوم و صنعت های زمان را بداند، چون به قول او «چه آن چه ندانند نقصان باشد و برین تقدیر از هر چیز، چیزی ببايد دانست تا ناقص نباشد.»<sup>۱۶</sup>

مؤلف معتقد است (و آن را در وجود غازان خان می بیند) که پادشاه باید بسیار صبور باشد و در هیچ کاری به جز کار خیر با عجله و شتاب تصمیم نگیرد، به ویژه در مورد مجازات افراد خاطی تعجیل نداشته باشد.

مؤلف خیلی زیرکانه از قول غازان خان نقل می کند که شاه نباید بین دو گروه شیعه و سنی فرقی بگذارد که البته این کار به سفارش خود



▲ مراسم تدفین غازان خان، مینیاتور ایرانی.

از جنگ ها به رسم مغولی احترام خاصی را برای یک درخت به جای آورده است. گفته ای که با مطالب قبلی او تناقض دارد. شاید مذهب قبلی غازان خان، یعنی بودایی، تأثیر زیادی در او ایجاد نموده و او را به تساهل در برابر سایر ادیان و مذاهب متمایل ساخته بود.<sup>۱۲</sup> به نوشته خواجه، غازان خان در همه لشکرکشی ها تأکید داشته که سپاهیان به مردم تعرض نکنند، وارد خانه های اشخاص نگردند و به زور چیزی از مردم مطالبه نکنند. شاید این امر بیشتر بازتاب خواسته های خود رشید الدین باشد، هر چند نمی توان منکر این گونه رفتارها از سوی غازان شد.

در عین حال رشید الدین اصرار دارد که این گونه رسوم نادرست طی سال های متمادی به وجود آمده و یک نوع عادت برای دیوانیان و سپاهیان شده است و پادشاه باید در پی بر طرف کردن آن رسوم برآید.<sup>۱۳</sup>

به عقیده خواجه چون در گذشته پادشاهان حقوق حکام و ولایات و سپاهیان را به مالیات آن مناطق به حواله می دادند، لذا سپاهیان بر مردم وارد می شدند و موجبات گرفتاری آن ها را فراهم می کردند. به نظر خواجه رشید بهتر این بوده که هیچ گونه حواله ای از سوی حکومت صادر نشود و اگر جایی مالیات جنسی است نقد نگیرند و

خواجه بوده است. هم چنین باید برای اهل بیت پیامبر (ص) نیز ارزش بسیار قائل باشد، چنان که از قول غازان نقل می‌کند «من منکر هیچ کس نیستم و به بزرگی صحابه معترفم لیکن چون رسول را علیه الصلوة والسلام در خواب دیدم و میان فرزندان خود و من برادری و دوستی داده هر آینه با اهل البیت دوستی زیادت می‌ورزم و الا معاذالله که منکر صحابه شوم.»<sup>۱۷</sup>

از دیدگاه مؤلف دشمن پادشاه یاغی است. این یاغی می‌تواند دشمن خارجی باشد، هم چون ممالیک مصر یا شورشیان داخلی. پادشاه باید از نظر بدنی و جنگی بسیار قوی باشد و در جنگ نزدیکترین شخص به دشمن باشد. او باید از اصول غافلگیری کاملاً آگاه باشد و هیچ گاه نباید دشمن را کوچک بشمارد.<sup>۱۸</sup>

از مسائل بسیار مهم عصر مغولان، به ویژه از زمان مسلمان شدن پادشاه مغول، اختلافات حقوقی و قضایی میان مسلمانان و مغولان بوده است. رشیدالدین در فرمانی از قول غازان خان چنین می‌آورد: «دعوی که میان دو مغول باشد و یا میان یک مغول و یک مسلمان و دیگر قضایا که قطع و فصل آن مشکل باشد فرمودیم تا در هر ماهی دو روز شمانی و ملوک و بیتکچیان و قضاة و علویان و دانشمندان در مسجد جامع به دیوان المطالبه جمع شوند و دعای به جمعیت بشوند و به کُنه آن رسیده به موجب حکم شریعت به فیصل رسانند.» اما در عین حال ذکر می‌کند این تمهیدات شامل شاهزادگان و امرای مغول و ترک نیست.<sup>۱۹</sup>

رشیدالدین در نوشته‌های خود نظر مساعدی نسبت به وزیران قبلی ایلخانان نداشته و بسیاری از مفاصد اداری و دیوانی را به آن‌ها نسبت می‌دهد. با وجود آن که خواجه رشید را باید جزو مورخان درباری و دیوانی دانست، اما توجه او به تاریخ اجتماعی و روابط گروه‌های اجتماعی در ایران عصر مغول بسیار چشمگیر است و نشان می‌دهد که او به تاریخ فقط از بالا و از منظر نخبگان سیاسی نگاه نکرده، بلکه از پایین و از دید طبقات اجتماعی نیز به تاریخ نگر بسته است.

او از قول غازان استدلال می‌کند اگر مغولان به زور و غارت و کشتار رعایا را نابود کنند بعد از آن چه می‌خواهند بکنند، آیا نباید رعیتی باشد، تا همیشه جریان مالیات و بهره‌های دیگر برای اربابان مغول فراهم باشد. لذا عقل حکم می‌کند، در حق رعایا جانب انصاف را رعایت نمود تا همیشه این جریان کالا و مال برقرار باشد.<sup>۲۰</sup>

خواجه از قول غازان به مغولان سفارش می‌کند که زندگانی و حیات جاودانی چیزی نیست جز آن که نام شخص در اوراق روزگار (تاریخ) نوشته شود.

آن چه از مطالعه کتاب بر می‌آید این است که رشیدالدین یک

هدف کلی را دنبال می‌کرد و آن پایان دادن به هرج و مرج مغول بود. او سعی داشت از یک سو بر قدرت دولت مرکزی و شخص ایلخان مغول به عنوان پادشاه بیفزاید و از سوی دیگر به همان میزان از قدرت نیروهای گریز از مرکز در ولایات بکاهد. از یک طرف اختیارات حکام را کم نموده و از طرف دیگر آن‌ها را مسئول اعمال خود قرار دهد. تمام سفارشات سیاسی و اقتصادی او در این کتاب این هدف مهم را دنبال می‌کنند.

در واقع تاریخ مبارک غازانی از جمله بهترین منابع برای درک اوضاع اجتماعی ایران در عصر ایلخانان مغول، به ویژه مناسبات اجتماعی بین گروه‌های مختلف مردم و روابط حکومت و مردم است.

پی نوشت‌ها:

- ۱- مستوفی، حمدالله، تاریخ گزیده، چاپ سوم تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴، ص ۶۰۴.
- ۲- ریون آمیتای - پریس، «تازه‌های منابع مملوک درباره رشید الدین»، ترجمه دکتر جواد عباسی، کتاب ماه تاریخ و جغرافیه شماره ۸۱-۸۳، تیر، مرداد و شهریور ۸۳، ص ۲۸.
- ۳- همان، ص ۲۷.
- ۴- رشیدالدین فضل‌الله بن عمادالدوله ابوالخیر، تاریخ مبارک غازانی، به اهتمام کارل یان، هرتفورد انگلستان، ۱۳۵۸/۱۹۴۰، ص ۱.
- ۵- همان، ص ۳۴۹.
- ۶- همان، ص ۳۵۲.
- ۷- همان، ص ۶.
- ۸- همان، ص ۴۳.
- ۹- همان، ص ۲۰.
- ۱۰- همان، ص ۲۹۱.
- ۱۱- همان، ص ۱۲۷.
- ۱۲- الهی، امیرسعید، «ایلخانان بودایی ایران»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیه شماره ۸۱-۸۳، تیر، مرداد، شهریور ۸۳، ص ۵۸.
- ۱۳- تاریخ مبارک غازانی ص ۲۵۲.
- ۱۴- همان، ص ۲۵۴.
- ۱۵- همان، ص ۱۴۸.
- ۱۶- همان، ص ۱۷۴.
- ۱۷- همان، ص ۱۹۱.
- ۱۸- همان، ص ۱۹۶.
- ۱۹- همان، ص ۲۱۹.
- ۲۰- همان، ص ۲۶۹.

خواجه از قول غازان به مغولان سفارش می‌کند که زندگانی و حیات جاودانی چیزی نیست جز آن که نام شخص در اوراق روزگار (تاریخ) نوشته شود